

A Study on the Criminalization of Social Agitation of Celebrities Through the Supreme Leader's Interpretation of Verse 60 of Surat Al-Ahزاب

Mohammad Miri¹ 

1. Assistant Professor, Department of Islamic Ethics, Faculty of Education, University of Tehran, Tehran, Iran,
m.miri57@ut.ac.ir

Research Article



Abstract

The Supreme Leader's method of social interpretation has enabled him to pay more attention to the social views and commands of the Qur'an than other scholars. Then, one of the relatively new problems in our society is the phenomenon of celebrity worship syndrome. A celebrity is a well-known, popular, and beloved figure who is distinguished from others due to some advantages and characteristics and has been the focus and interest of a wide range of people in society with the help of mass media. The present study, which is organized using an analytical-documentary method, examines the Supreme Leader's interpretation of the verse 60 of Surah Al-Ahزاب, and analyzes the content, style, and social context of this verse, and analyzes how it indicates the criminalization of social agitation of celebrities. In any case, by putting together the points derived from the interpretation of this noble verse, some of the legal and Qur'anic foundations for criminalizing the sin of some celebrities in spreading fear and creating tension in society through the dissemination of Irjaf (tension creating) at the community level can be expressed in a revised manner from the perspective of the Supreme Leader, as he has repeatedly drawn the attention of the country's judicial officials to this important point.

From the Supreme Leader's interpretation of this holy verse, the following points can be obtained: 1. The sin of agitation and creating tension is not specific to spreading rumors; 2. The sin of agitation is not specific to the case of war and jihad; 3. Agitation is an ancient method and tactic of the infidels' propaganda front against the Islamic front; 4. Some celebrities are considered modern examples of the Qur'anic term "Al-Murjafoon" (agitators); 5. The sin of agitation in society has a sensitive anti-security aspect; 6. Freedom of speech does not mean freedom of agitation. Considering the above points, we conclude that only delving into this holy verse and paying attention to the Supreme Leader's interpretation of it is sufficient to express in a revised form the legal and Qur'anic foundations of criminalization of celebrities causing unrest and creating tension in society, and the necessity and method of confronting this crime. The final conclusion is that the country's judicial system's appeasement of some celebrities who have a dark history of fueling social tensions, is in no way consistent with the legal and Qur'anic foundations and the Supreme Leader's perspective. Also, the return of such celebrities, who are a clear example of the Qur'anic term "al-Marjafoon," to the national media and giving any kind of platform to them contradicts the teachings of the holy Qur'an. According to the Supreme Leader, in accordance with the verse 60 of Surah Al-Ahزاب, such individuals must first receive serious and deterrent warnings from official and legal authorities, and in case of repetition, the relevant agencies are obliged to pursue their crime legally, politically, and legally.

KEYWORDS: Celebrity, Agitation, Supreme Leader, Social Interpretation of the Qur'an, Irjaf.


Received: 2024-08-11 | Received in revised form: 2024-09-13 | Accepted: 2024-12-28 | Published online: 2024-09-22

◆ How to cite: Miri, Mohammad(1403SH): "A Study on the Criminalization of Social Agitation of Celebrities Through the Supreme Leader's Interpretation of Verse 60 of Surat Al-Ahزاب", *quran and social sciences*, 4(15), p110-139, 10.22034/arq.2024.212247

©The Author(s). Article type: Research Article Published by: University of Holy Quran Sciences and Education



واکاوی جرم‌انگاری تنش‌آفرینی اجتماعی سلبریتی‌ها با تکیه بر تفسیر مقام معظم رهبری از آیه شصتم سوره احزاب

محمد میری^۱ 

۱. استادیار، گروه اخلاق اسلامی، دانشکده معارف، دانشگاه تهران، تهران، ایران، m.miri57@ut.ac.ir

چکیده

روش تفسیر اجتماعی مقام معظم رهبری به ایشان این توان را داده است تا دیدگاه‌ها و دستورات اجتماعی قرآن را بیشتر از دیگران مورد توجه قرار دهند. پژوهش پیش‌رو که به روش تحلیلی - اسنادی، سامان یافته به بررسی تفسیر مقام معظم رهبری از آیه شصتم سوره احزاب و بازکاوی مفاد و سبک و سیاق اجتماعی پرنسب این آیه و تحلیل چگونگی دلالت آن بر جرم‌انگاری تنش‌آفرینی اجتماعی سلبریتی‌ها پرداخته است. از تفسیر مقام معظم رهبری از این آیه شریفه می‌توان این نکات را به دست آورد: ۱. گناه ارجاف به شایعه‌پراکنی اختصاص ندارد؛ ۲. گناه ارجاف به ساحت جنگ و جهاد اختصاص ندارد؛ ۳. ارجاف، روش و شگرد دیرینه جبهه تبلیغاتی کافران علیه جبهه اسلام است؛ ۴. برخی مصداق امروزین واژه قرآنی «المرجفون» به شمار می‌آیند؛ ۵. گناه ارجاف در جامعه جنبه حساس ضد امنیتی دارد؛ ۶. آزادی بیان به معنای آزادی ارجاف نیست. توجه به مجموعه نکات پیش‌گفته، ما را به این نتیجه می‌رساند که تنها، تعمق در همین آیه شریفه و توجه به تفسیر مقام معظم رهبری از آن کافی است تا مبانی حقوقی و قرآنی جرم‌انگاری برخی سلبریتی‌ها در ارجاف و تنش‌آفرینی در جامعه و ضرورت و چگونگی مقابله با این جرم به شکل منفتح بیان شود.

کلیدواژه‌ها: سلبریتی، تنش‌های اجتماعی، مقام معظم رهبری، تفسیر اجتماعی قرآن، ارجاف.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۱ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۶/۲۳ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۸ | تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۷/۰۱

◆ استناد به این مقاله: میری، محمد (۱۴۰۳): «واکاوی جرم‌انگاری تنش‌آفرینی اجتماعی سلبریتی‌ها با تکیه بر تفسیر مقام معظم رهبری از آیه شصتم سوره احزاب»، *قرآن و علوم اجتماعی*، ۴ (۱۵)، ۱۱۰-۱۳۹، 10.22034/arq.2024.212247

© نویسندگان نوع مقاله: پژوهشی ناشر: دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

۱. مقدمه

یکی از آسیب‌های نسبتاً نوپدید در جامعه امروزی ما مسئله سلبریتی‌زدگی^۱ است. سلبریتی، چهره شناخته‌شده، پرطرف‌دار و محبوبی است که به‌خاطر برخی برتری‌ها و ویژگی‌های خاص، از دیگران متمایز شده و به کمک رسانه‌های جمعی، مورد توجه و علاقه طیف گسترده‌ای از افراد جامعه قرار گرفته است. دایره گسترده سلبریتی‌ها می‌تواند شامل افرادی همچون بازیگران، موسیقی‌دانان، فوتبالیست‌ها و ورزشکاران، خبرنگاران، سیاستمداران، مذهبیان و... باشد؛ بنابراین سلبریتی می‌تواند هرکسی در هر جایگاه و حوزه‌ای باشد به شرط آن که او به‌عنوان یک چهره و الگو، توسط رسانه‌های جمعی همچون سینما و تلویزیون و مطبوعات و شبکه‌های اجتماعی، به شکل متمرکز، بازنمایی شود (میری و محمد، ۱۴۰۳: ۱۲۶؛ روشندل و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۲).

آن‌ها بخشی از فرهنگ عامه‌پسند امروزی شده‌اند و قدرت رسانه، آن‌ها را به یکی از نیروهای تأثیرگذار در اجتماع تبدیل کرده است به گونه‌ای که چهره‌های مشهور به‌عنوان داوران سلیقه، ارزش و تفکر، جایگزین خانواده‌ها، مدارس و پایگاه‌های دینی شده و سرمشق تازه‌ای برای هویت‌یابی و الگوهای سبک زندگی، مد و رفتار ایجاد می‌کنند (اردکانی فرد و رضوی زاده، ۱۳۹۹: ۲۲۰، به نقل از: بنت، ۱۳۸۶: ۱۲۰). آن‌ها اثرات عاطفی قابل توجهی بر تعدادی از مردم به‌جای می‌گذارند و به خاطر نفوذ اجتماعی^۳ که دارند، نقشی فرهنگی در نظام معنایی جوامع امروزی یافته‌اند (همان: ۲۲۵، به نقل از Nayar، ۲۰۰۹: ۴-۵).

امروزه دامنه اثرگذاری فرهنگ شهرت به ساحت‌های گوناگون زندگی اجتماعی بشر گسترده شده است. گسترش دامنه تأثیر سلبریتی‌ها بر بخش‌های گوناگون زندگی اجتماعی، ضرورت بخش وجود برخی ضوابط و قوانین، جهت سامان‌دهی

1. Celebrity worship syndrome

2. Bennett, Andy.

۳. مفهوم «نفوذ اجتماعی» در اصطلاح روان‌شناسی اجتماعی آن است که کسی توان تحت تأثیر قراردادن دیگران را چه با گفتار و چه با رفتار خود داشته باشد. به دیگر سخن، نفوذ اجتماعی عبارت است از توان کنترل و هم‌رنگ کردن دیگران با خود (کریمی، ۱۳۷۷: ۱۰۳).

به فعالیت‌های اجتماعی سلبریتی‌ها و صیانت ساحت اجتماع از رفتارهای مخرب و خلاف قانون است. امکان تأثیرگذاری منفی برخی موضع‌گیری‌های جهت‌دار و رفتارهای خلاف قانون سلبریتی‌ها بر اجتماع، امری روشن و انکارناپذیر است.^۱ این خطر بالقوه سلبریتی‌ها برای جامعه موجب شده تا امروزه برای فعالیت‌های اجتماعی آن‌ها در دنیا قوانین نسبتاً سخت‌گیرانه‌ای وضع شود^۲ و البته در ایران نیز - مانند همه دنیا - وضع قوانین جدی‌تر و سخت‌گیرانه‌تر برای جلوگیری از این خطر بالقوه ضروری است.

برخی سلبریتی‌ها که عمدتاً همه وجهه و شهرت خود را از قبیل توجه مردم به دست آورده‌اند علیه مصالح عمومی همین مردم و در جهت برهم‌زدن سبک زندگی مردم در بخش‌های گوناگون قدم برمی‌دارند و دانسته یا نادانسته موجبات انحراف بدنه جامعه را از فرهنگ، سنت و باورهای اصیل و ایجاد التهاب و تنش در جامعه فراهم می‌آورند.^۳ در اینجا این سؤال مهم خودنمایی می‌کند که مبانی دینی جرم‌انگاری تنش‌آفرینی اجتماعی از سوی سلبریتی‌ها چیست و بر پایه این مبانی، جهت مقابله با آن، چه اقداماتی باید صورت پذیرد؟ پژوهش پیش‌رو با تمرکز بر آیه شصتم سوره احزاب و با تأکید بر تفسیر مقام معظم رهبری از این آیه شریفه، به دنبال پاسخ‌گویی به پرسش مذکور است.

از آنجا که مقام معظم رهبری سال‌های طولانی، دغدغه‌های اجتماعی جامعه

۱. نگارنده این مسئله را در مقاله‌ای با عنوان «آسیب‌شناسی فرهنگ شهرت و سلبریتی از نگاه قرآن کریم» مورد بررسی قرار داده است (ر.ک میری، ۱۴۰۳: ۱۰۲-۱۱۲).

۲. برای مطالعه درباره برخی از این سخت‌گیری‌های قانونی به این آدرس‌ها مراجعه کنید: «تحلیل الگوی عمل نظام قضائی آمریکا در جرائم سلبریتی‌ها» (nournews.ir); «از ایران تا پنگه دنیا، مجازات سلبریتی قانون‌شکن چیست؟» (javanonline.ir); «قوانین بازدارنده و ساختارمندی سلبریتی‌ها» (qudsdaily.com).

۳. در اینجا تذکر این نکته ضروری است که سلبریتی به معنای چهره و ستاره‌ای که به نوعی، الگوی دیگر افراد جامعه قرار گرفته است همیشه الزاماً با کارکرد منفی همراه نیست بلکه در صورت مدیریت درست شرایط، تأثیرگذاری مثبت سلبریتی‌ها هم دور از انتظار و منتفی نیست. البته بررسی تأثیر مثبتی که این قشر می‌تواند بر جامعه داشته باشند مجال دیگری را می‌طلبد و از حوزه محوری این پژوهش، خارج است. در این موضوع، دکتر هادی خانیکی، مدیرگروه ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی و همچنین دکتر حسین میرزائی استادیار رشته مطالعات فرهنگی دانشگاه علامه طباطبایی نقطه‌نظراتی را در رسانه تحلیلی دانشگاه علامه طباطبایی بیان داشته‌اند (ر.ک //atna.atu.ac.ir).

اسلامی را داشته و از نزدیک، درگیر مسائل حاکمیتی نظام اسلامی بوده‌اند برخی ابتکارات و نکته‌سنجی‌ها در فهم و تفسیر اجتماعی قرآن دارند و طبعاً شاید برای دیگر مفسرانی که درگیر این دغدغه‌های اجتماعی - حاکمیتی نبوده‌اند این جنبه مهم از قرآن چندان روشن نبوده و به آن توجه شایانی نشان نداده‌اند. به این ترتیب، در این نوشتار، ابتدا نگاهی به اهم نکات تفسیری که پیش از مقام معظم رهبری پیرامون آیه شصتم سوره احزاب مطرح شده است خواهیم داشت. سپس تفسیر ایشان از آیه را بررسی کرده و درنهایت، دلالت‌های آن را بر جرم‌انگاری تنش‌آفرینی اجتماعی سلبریتی‌ها و همچنین بر راه کارهای مقابله با آن تحلیل خواهیم کرد.

۲. پیشینه پژوهش

تاکنون به ندرت پژوهشی علمی با رویکرد اسلامی، پیرامون فرهنگ شهرت و سلبریتی انجام گرفته است. با همه ضرورت‌ها و فایده‌هایی که بررسی مسئله سلبریتی که از مسائل روز و مهم اجتماعی است، از دیدگاه آموزه‌های دینی دارد تحقیق و پژوهش‌چندانی در این زمینه به چشم نمی‌خورد. این در حالی است که این موضوع، مدت‌ها است که مورد توجه جدی پژوهشگران عرصه علوم اجتماعی قرار گرفته است.

هرچند پیش‌ازاین، دو مقاله علمی پیرامون مؤلفه‌های شخصیتی سلبریتی و آسیب‌های اجتماعی آن‌ها با عنوان «شخصیت‌شناسی سلبریتی از نگاه قرآن کریم»؛ میری (۱۴۰۲) و «آسیب‌شناسی فرهنگ شهرت و سلبریتی از نگاه قرآن کریم»؛ میری (۱۴۰۳) منتشر شده است؛ اما این دو مقاله از محدود پژوهش‌هایی است که با نگاه دینی، پیرامون فرهنگ شهرت، سامان یافته است. البته روشن است که موضوع محوری مقاله پیش‌رو متفاوت از مسئله اصلی در دو مقاله پیش‌گفته است.

به‌هرروی، چنین به نظر می‌آید که پژوهش پیش‌رو که رویکرد دینی و جرم‌شناسانه در فعالیت‌های اجتماعی سلبریتی‌ها دارد و بر پایه تفسیر مقام معظم

رهبری از آیه شصتم سوره احزاب نگارش یافته است در نوع خود، نخستین است و می‌تواند باب تحقیقات گسترده‌تر بعدی در این ساحت را بر روی علاقه‌مندان بازنماید.

شأن نزول آیه شصتم سوره احزاب

علی بن ابراهیم قمی در توضیح شأن نزول این آیه می‌نویسد برخی از منافقان که در مدینه زندگی می‌کردند همواره اراجیفی نسبت به رسول خدا - صلی‌الله‌علیه و آله - به زبان می‌آوردند و چون آن حضرت در جنگی شرکت می‌کردند در بین مسلمانان شایعه می‌کردند که او کشته‌شده و اسیرشده؛ و به این شکل، مسلمانان را اندوهناک می‌کردند؛ تا آن‌که مسلمانان از این رفتار منافقان نزد رسول خدا شکایت کردند و در پی آن، این آیه شریفه نازل شد (قمی، ۱۳۶۳: ۱۹۶-۱۹۷).

عنایت به شأن نزول این آیه شریفه موجب شده تا برخی فقها، دایره و مورد دلالت آیه را به ساحت جهاد منحصر کنند. با مراجعه به منابع فقهی روشن می‌شود که عنوان «ارجاف» در فقه، چندان مورد توجه نبوده و فقهای هم که به این گناه مصرح در قرآن توجه نشان داده‌اند آن را در کتاب جهاد بررسی کرده و به گونه‌ای آن را منحصر در جهاد دیده‌اند^۱ (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۳ق، ۹: ۴۲۸).

این در حالی است که به اقتضای قاعده «العبرة بعموم اللفظ لا بخصوص السبب» شأن نزول یک آیه هیچ تهافتی با عمومیت مفاد آن نداشته و موجب تخصیص مفاد آیه به موردی خاص نمی‌گردد. به همین خاطر است که فقها هنگام استنباط احکام الهی از آیات قرآن، ضمن الغاء خصوصیات موردی شأن نزول، به اطلاق و عموم آیه، استناد می‌کنند تا بتوانند با استناد به کلیت آیه، حکم موارد و مصادیق گوناگون آن را به دست آورند (معرفت، ۱۴۱۰، ۱: ۲۶۱؛ سیوطی، ۱۴۲۱ق، ۱: ۱۲۳).

۱. در گذشته، بنا بر قول مشهور شیعه، تعداد آیات الاحکام (آیاتی که دلالت روشنی بر احکام تکلیفی مکلفان دارند) را حدود پانصد آیه می‌دانستند؛ اما مرحوم آیت الله معرفت بر این باورند که اگر از زاویه خاص سیاسی و اجتماعی که گذشتگان به آن توجه نداشته‌اند، به قرآن توجه شود، شمار آیات فقهی، متجاوز از دوهزار آیه خواهد بود (معرفت، ۱۳۷۹، ۲: ۲۲۸).

۴. تفسیر آیه شصتم سوره احزاب

خداوند در این آیه شریفه می‌فرماید: «لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِبَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا». واژه «الْمُرْجِفُونَ» در این کریمه از ماده و ریشه «رجف» که به معنای لرزش و اضطراب شدید است، اشتقاق یافته است، چنانکه عرب این فعل را برای اشاره به زلزله و لرزش زمین و همچنین لرزش امواج دریا به کار برده است. واژه «الْمُرْجِفُونَ» اسم فاعل از باب «افعال» است و طبیعتاً ترکیب «الْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ» به لحاظ لغوی به معنای کسانی خواهد بود که در اجتماع، با رفتار یا گفتار خود، ایجاد لرزش، تنش و تزلزل می‌کنند: «الرَّجْفُ: الاضطراب الشديد، يقال: رَجَفَتِ الْأَرْضُ وَرَجَفَ الْبَحْرُ وَبَحْرٌ رَجَافٌ. قال تعالى: يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ» (النازعات: ۶)؛ «يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَ الْجِبَالُ» (المزمل: ۱۴)؛ «فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ» (الأعراف: ۷۸)؛ و الإِرْجَافُ: إيقاع الرجفة، إِمَّا بِالْفِعْلِ، وَإِمَّا بِالْقَوْلِ، قال تعالى: وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ، ويقال: الأَرَاجِيفُ ملاقيح الفتن» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۳۴۴).

بر پایه این معنا که در لغت برای ماده «رجف» آمده است، علامه مصطفوی لغت ارجاف را به معنای ایجاد تزلزل در دیگری یا در نظام اجتماعی دانسته است. وی در ادامه، معنای لغوی «الْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ» را کسانی دانسته که با گفتار و رفتار خود به دنبال اخلال در نظام اجتماعی و تزلزل در امور کشورند (مصطفوی، ۱۳۶۸، ۴: ۶۷).

پس از روشن شدن معنای لغوی، باید توجه داشت که بسیاری از مفسران نیز «مرجفون» را - با عنایت به معنای لغوی آن - اشاره به کسانی دانسته‌اند که به دنبال فتنه‌انگیزی در جامعه و متزلزل کردن بدنه اجتماع هستند. از صحابی پیامبر اکرم (ص) و مفسر بسیار مشهور صدر اسلام، ابن عباس نیز چنین نقل شده است که «الإرجاف التماسُ الفتنة» روشن است که این تفسیر، هرگونه فتنه‌انگیزی و تنش‌آفرینی در جامعه را شامل می‌شود و گستره دامنه آن هر سخنی را که نوعی، التهاب و دلهره برای آحاد جامعه را به دنبال داشته باشد در برمی‌گیرد. مطابق این تفسیر، شایعه‌پراکنی، تنها یک مصداق از مصادیق متعدد و گوناگون ارجاف

خواهد بود؛ و دایره دلالت آن همه شگردها و فنون جنگ روانی را به گونه‌ای شامل می‌شود: «الْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ الَّذِينَ يَمْعَلُونَ عَلَىٰ بَثِّ الْإِسَاعَاتِ وَإِثَارَةِ الْأَقْوَابِلِ الَّتِي تَضَعُ الْعَزِيمَةَ، وَتَشِيعُ الْفَسَادَ، وَتَثِيرُ الْفِتْنَ، وَتَنْشُرُ الْأَضَالِيلَ وَالْأَبْطَالِ، لِتَحْوِيلِ الْمَجْتَمَعِ إِلَىٰ سَاحَةِ مَهْرُوزَةٍ لَا يَتَمَاسِكُ فِيهَا الْمَوْقِفُ وَلَا يَثْبُتُ فِيهَا الْمَوْقِعُ، مِمَّا هُوَ مَوْجُودٌ فِي كُلِّ مَكَانٍ وَزَمَانٍ، حَتَّىٰ تَحْوَلَّ فِي عَصْرِنَا إِلَىٰ فَنٍّ قَائِمٍ بِذَاتِهِ، فِي مَا تَعَارَفَ عَلَيْهِ النَّاسُ مِنْ «الْحَرْبِ النَّفْسِيَّةِ» الَّتِي يَشْنُهَا الْمَرْجِفُونَ مِنَ الْعَامِلِينَ فِي أَجْهَزَةِ الْمَخَابِرَاتِ وَالْإِذَاعَةِ وَالصَّحَافَةِ وَالْوَسَائِلِ بِأَسْلِحَتِهِمُ الْإِعْلَامِيَّةِ قَبْلَ أَنْ تَدْخُلَ فِي سَاحَةِ الصَّرَاعِ فِي الْحَرْبِ الْحَاذِرَةِ» (فضل الله، ۱۴۱۹ق، ۱۸: ۳۵۱؛ همچنین ر. ک مغنیه، ۱۴۲۴ق، ۶: ۲۴۰).

تفسیر ارجاف به فتنه‌انگیزی البته ریشه در صدر اسلام دارد و چنانکه گذشت دلالت تصریح ابن عباس به «الْإِرْجَافُ التَّمَاثُ الْفِتْنَةُ» بر این امر، روشن است و سمرقندی در قرن چهارم اظهار هرگونه اراجیفی که موجب آزار جامعه و به راه انداختن فتنه باشد را مصداق ارجاف داشته است: «وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ يَعْنِي: الَّذِينَ يَخْبِرُونَ بِالْأَرَاغِيفِ. وَكَانُوا يَخْبِرُونَ الْمُؤْمِنِينَ بِمَا يَكْرَهُونَ مِنْ عَدُوِّهِمْ. وَالْأَرَاغِيفُ: هِيَ أَوَّلُ الْاِخْتِيَارِ. وَأَصْلُ الرَّجْفِ هُوَ الْحَرَكَةُ. فَإِذَا وَقَعَ خَبْرُ الْكُذْبِ فَإِنَّهُ يَقَعُ الْحَرَكَةُ بِالنَّاسِ فَسُمِّيَ إِرْجَافًا. وَيُقَالُ: الْأَرَاغِيفُ تَلْقَحُ الْفِتْنَةَ. يَعْنِي: إِنْ لَمْ يَنْتَهَوْا عَنِ النِّفَاقِ وَعَنِ الْفُجُورِ وَعَنِ الْقَوْلِ بِالْأَرَاغِيفِ» (سمرقندی، ۱۴۱۶ق، ۳: ۷۳).

خزرجی نیز در قرن ششم به همین تفسیر متمایل بوده و می‌نویسد: «وَالْمُرْجِفُونَ أَيُّ: الْخَائِضُونَ فِي أَمْرِ الْفِتْنَةِ. تَقُولُ الْعَرَبُ: أَرْجَفَ الْقَوْمَ إِرْجَافًا، إِذَا خَاضُوا فِي أَمْرِ الْفِتْنَةِ» (خزرجی، ۱۴۲۹ق: ۳۰۱). با آن‌که ظهور لغوی «مرجفون» گسترش داشته و - چنانکه گذشت - به مصداق خاصی از تزلزل‌آفرینی در جامعه اختصاص نمی‌یابد ولی برخی مفسران، دایره دلالت آن را فقط در مصداق شایعه‌پراکنی خلاصه کرده‌اند. گویا غلبه وجودی این مصداق بارز ارجاف، انصراف این واژه را در ذهن این مفسران، به این مصداق خاص به دنبال داشته است.^۱ در تفسیر نمونه چنین آمده: «اصل «ارجاف» به معنی اضطراب و تزلزل است و از آنجا که

۱. این سخن در علم اصول فقه مطرح است که یکی از علل انصراف یک لفظ عام به یک معنای خاص، غلبه در وجود است (صدر، ۱۴۲۵ق، ۲: ۱۴۲).

شایعات باطل، ایجاد اضطراب عمومی می‌کند این واژه به آن اطلاق شده است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۱۷: ۴۳۰)؛ طبرسی نیز ارجاف را به شایعه‌پراکنی تعریف کرده است: «و الإرجاف إشاعة الباطل للاغتمام به و أصله الاضطراب» (طبرسی، ۱۳۷۲، ۸: ۵۷۸). تفسیر ارجاف به شایعه‌پراکنی، طرفداران دیگری هم دارد چنانکه برخی این‌گونه توضیح داده‌اند: «المرجفون و هم الذين يذيعون في البلد الاشاعات الكاذبة.» (مدرسی، ۱۴۱۹ق، ۱۰: ۳۸۸) و برخی تصریح می‌کنند: «الْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ أَيْ مَرُوجُوا الإِشَاعَاتِ الْكَاذِبَةَ» (حَوَى سَعِيد، ۱۴۲۴ق، ۸: ۴۴۸۲). به‌هرروی، تفسیر ارجاف به شایعه‌پراکنی و صرف نظر کردن از سایر مصادیق آن با معنای لغوی آن سازگاری ندارد، چنانکه بسیاری از مفسران نیز، ارجاف را به فتنه‌انگیزی تفسیر کرده‌اند و مطابق این تفسیر، شایعه‌پراکنی، تنها مصداقی از ارجاف خواهد بود و انحصار در آن نخواهد داشت.

۵. تفسیر آیه شصتم سوره احزاب از دیدگاه مقام معظم رهبری

یکی از اصلی‌ترین روش‌های مقام معظم رهبری در تفسیر قرآن، روش تفسیر اجتماعی است (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۳: ۱۷؛ بوذری نژاد، ۱۳۹۷: ۱۶۸-۱۷۱). روش تفسیر «اجتماعی» به دنبال یافتن راه حل مشکلات اجتماعی با تأمل در تفسیر آیات ناظر به مسائل اجتماع است. در تفسیر اجتماعی، از منظر پدیده‌ها و حوادث اجتماعی، به آیات نگریسته می‌شود (مؤدب، ۱۳۸۰: ۲۷۹؛ همچنین ر. ک رضایی اصفهانی، ۵: ۱۱-۳۶).

مقام معظم رهبری با برجسته نمودن مباحث اجتماعی قرآن به دنبال تحلیل آسیب‌های اجتماعی و یافتن راه‌حل قرآنی آن‌ها هستند و درعین حال، بایانی رسا و ساده، تلاش می‌کنند تا تفسیر و پیام اجتماعی قرآن را برای عموم مردم قابل استفاده کنند (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۳: ۱۷-۲۰).

به این نکته مهم باید توجه داشت که مفسر، در روش تفسیر اجتماعی، پرسش و مسئله را از متن مشکلات اجتماعی جامعه دریافت می‌کند و سپس پاسخ آن را - با رعایت ضوابط و اصول تفسیر و بدون هیچ افراط و تفریطی و بدون هیچ تأویل،

تحمیل و تحریفی - از قرآن می‌جوید؛ با این باور که قرآن، همواره پاسخگوی نیازهای روز جامعه است و در واقع با تحلیل و الهام گرفتن از مشکلات و نیازهای روز متن جامعه، با قرآن به گفتگو می‌نشیند و پاسخ را از قرآن می‌خواهد چنانکه امیر مؤمنان علیه السّلام می‌فرماید: «این قرآن است که در دسترس شماست؛ او را به سخن آورید؛ او خود سخن نمی‌گوید. همانا به شما خبر می‌دهم که در قرآن، دانستنی‌ها برای آینده، فراوان است و درمان دردهای شما همواره در آن موجود است» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۸). امام علی علیه‌السلام در این حدیث شریف توضیح داده‌اند که چگونه قرآن، برای همیشه، روزآمد و پاسخگوی تمامی نیازها است (میری، ۱۴۰۲ق: ۱۲۶؛ صدر، بی‌تا: ۱۹-۲۳؛ معرفت، ۱۳۷۹، ۲: ۵۲۷-۵۲۸).

با توجه به سبک و سیاق اجتماعی آیه شصتم سوره احزاب، نگاه و رویه مقام معظم رهبری در تفسیر اجتماعی (که مبتنی بر شمول آموزه‌های قرآن بر گستره اجتماعی زندگی بشر است) به روشنی در تفسیر این آیه به چشم می‌خورد:

«آنچه اسلام مطرح می‌کند، این است که عرصه فعالیت این دین، تمام گستره زندگی بشر است؛ از اعماق قلب او تا مسائل اجتماعی تا مسائل سیاسی تا مسائل بین‌المللی تا مسائلی که به مجموعه بشریت ارتباط دارد... در مسائل امّیتی و مسئله امنیتی داخلی جامعه: لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ... یعنی اسلام در همه ابعاد مهم زندگی اجتماعی بشر حرف دارد. این‌ها که عرض کردیم نمونه‌های اندکی است از آنچه در قرآن کریم هست؛ صدها مورد از این قبیل در قرآن مشاهده می‌کنید... مسائل اجتماعی و وظایف مهم جامعه‌سازی و تمدن‌سازی در اسلام وجود دارد» (بیانات در دیدار میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی ۱۴۰۰/۸/۲).

مقام معظم رهبری بارها به مناسبت‌ها و در تاریخ‌های گوناگون، در سخنان خود به تفسیر آیه ارجاف توجه نشان داده‌اند. توجه و تأمل در مجموعه بیانات ایشان پیرامون تفسیر این آیه ما را به چند نکته مهم و بعضاً ابتکاری - که برآمده از تعمق ایشان در جنبه اجتماعی آیه است - رهنمون می‌سازد که در ادامه به اهم آن‌ها اشاره خواهیم داشت:

الف) عدم اختصاص ارجاف به شایعه‌پراکنی

به باور مقام معظم رهبری شایعه‌پراکنی یکی از مصادیق گناه ارجاف است نه تنها مصداق آن. ایشان با توجه به معنای لغوی این واژه و همراه و هم‌سو با بسیاری دیگر از مفسران، گستره خیلی وسیع‌تری برای مصادیق این آیه در نظر می‌گیرند. ایشان با نگاه اجتماعی خاصی که به این آیه شریفه دارند به بسیاری از اوصاف و ویژگی‌های «المرجفون» در سخنان و تفسیر خود از این آیه اشاره کرده‌اند. به باور ایشان تفسیر و مصادیق گوناگون «المرجفون» عبارت‌اند از: کسانی که در جامعه تشنج‌آفرینی می‌کنند، جامعه را به اضطراب می‌کشاند، به حرکات ناسالم می‌کشاند؛ با سخن جهت‌دار خود، با شایعه‌پراکنی خود، با موضع‌گیری خود، با اظهارنظر خود جو عمومی جامعه را به تشنج می‌کشاند... کسانی که جامعه را از سلامت و از سکون و آرامش خودش می‌خواهند خارج می‌کنند (بیانات خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۶/۲/۱۸) کسانی که از زیر (منافقانه و غیرمستقیم) می‌خواهند ضربه بزنند، می‌خواهند انفجار و تنش ایجاد کنند، می‌خواهند مردم را بترسانند، می‌خواهند دل مردم را خالی کنند، می‌خواهند امیدها را از دل‌ها بگیرند؛ مرتب توی دل‌ها را خالی می‌کنند با گفتن: آقا تمام شد، آقا بردند، آقا دشمن چنین شد، آقا ارزش‌ها فلان شد، غارت کردند، چنین کردند، دشمن پیروز شد، دشمن مسلط شد (بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه، ۱۳۷۰/۶/۲۷) کسانی که مرتب مردم را می‌ترسانند و مثل خوره به جان مردم افتاده و روحیه‌ها را تضعیف می‌کنند؛ مردم را ناامید می‌کنند و آن‌ها را از اقدامات سازنده بازمی‌دارند (بیانات در دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۷/۶/۱۲) کسانی که سعی می‌کنند دل‌ها را مضطرب، پریشان و ملتهب کنند و دلهره ایجاد نمایند (بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۸۲/۳/۷) و آن‌هایی که مردم را ناامید می‌کنند، مردم را بی‌اطمینان می‌کنند (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۹/۶/۲۵) و در یک کلام شایعه‌پراکنان، ترس‌پراکنان، تردیدپراکنان، شبهه‌پراکنان (بیانات در مراسم سی‌وچهارمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی، ۱۴۰۲/۳/۱۴).

به این ترتیب روشن می‌شود که در تفسیر مقام معظم رهبری همه کسانی که با انواع و اقسام سخنان خود به نحوی، به جبهه روانی دشمن علیه جامعه اسلامی کمک می‌کنند مصداق «المرجفون» هستند.

عدم اختصاص ارجاف به ساحت جهاد

اگرچه برخی فقها - چنانکه گذشت - با عنایت به شأن نزول آیه، مبحث ارجاف را در باب جهاد خلاصه کرده‌اند؛ ولی از توضیحات گذشته روشن شد که مقام معظم رهبری در تفسیر این آیه، دایره شمول گناه ارجاف را در همه ساحت‌های اجتماعی مسلمانان می‌بیند و به همین خاطر، هرکسی که با سخن‌پراکنی‌های مغرضانه خود موجبات دل‌سردی مردم و تزلزل در آحاد جامعه را ایجاد کند مصداق این آیه خواهد بود؛ چه این اتفاق در ساحت جهاد و جنگ نظامی بیفتد و چه در میدان جنگ اقتصادی یا تبلیغاتی یا سیاسی و چه در غیر آن: «[در جنگ احزاب] مردم را می‌ترسانند. آآن هم همین جور است. آآن هم یک عده‌ای مردم را می‌ترسانند: آقا بترسید. مقابله با آمریکا مگر شوخی است؟ پدرتان را درمی‌آورند! آن جنگ نظامی‌شان [که از شما قوی‌ترند]، این تحریم‌شان [که شمارا فلج می‌کند]، این فعالیت‌های تبلیغی و سیاسی‌شان [که شمارا نابود می‌کند]. در آخر این سوره باز می‌فرماید: «لئن لم ینته المنافقون و الذین فی قلوبهم مرض و المرجفون فی المدینة لنگرینک بهم» مرجفون همین‌ها هستند [که در جامعه به دنبال تنش‌آفرینی هستند]» (بیانات در دیدار علما و روحانیون خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۱۹).

نگاه اجتماعی مقام معظم رهبری به تفسیر قرآن و همچنین نگاه شمول‌گرایانه ایشان به قرآن به‌عنوان شفاف‌بخش همه آسیب‌های فردی و اجتماعی انسان‌ها تا روز قیامت و همچنین عنایت به این قاعده مسلم که محتوای موردنظر قرآن کریم، محدود به شأن نزول آیات آن نمی‌شود، همه و همه موجب شده تا مقام معظم رهبری مانند بسیاری دیگر از مفسران، دایره گناه ارجاف را محصور در ساحت جهاد نبیند، بلکه به تعبیر مفسران، هر جا که علیه جامعه اسلامی و در

جهت بر هم زدن آرامش جامعه، یک «جنگ روانی» و به دیگر سخن، یک «جنگ سرد» شکل بگیرد، گناه ارجاف هم مطرح خواهد بود (فضل الله، ۱۴۱۹ق، ۱۸: ۳۵۱؛ مغنیه، ۱۴۲۴ق، ۶: ۲۴۰؛ قرائتی، ۱۳۸۸، ۷: ۴۰۱).

ارجاف؛ ابزار و شگرد دیرینه جبهه تبلیغاتی کافران

مقام معظم رهبری تلاش برای لرزه آفرینی بر پیکره جامعه ایمانی را سنت دیرینه و شگرد همیشگی جبهه تبلیغاتی دشمنان اسلام، از صدر اسلام تا کنون ارزیابی می‌کنند. ایشان با نگاهی تفسیری، وقایعی را که در صدر اسلام و در جریان جنگ احزاب برای مقابله با جریان اجتماعی اسلام اتفاق افتاد با آنچه امروزه در مقابله با انقلاب اسلامی روی داده است مقایسه می‌کنند. همان‌گونه که در جنگ احزاب، گروه‌های گوناگون برای جنگ با اسلام، متحد شدند امروزه نیز دشمنان گوناگون اسلام، نیروهای گوناگون خود را جمع کرده و با اتحاد باهم دوباره جنگ احزابی را علیه اسلام، شکل داده‌اند؛ و همان‌گونه که در آن زمانه، مرجفون، در جامعه مسلمانان ایجاد ترس و دلهره و ناامیدی و تنش می‌کردند امروزه نیز برخی با پیروی از همان شگردهای مرجفون، ایجاد ترس و تنش در جامعه را در دستور کار خود دارند:

«اگر بخواهیم این [وقایع جنگ احزاب] را با امروز مقایسه کنیم، یعنی آمریکا با آن‌ها مخالفت کرد، انگلیس مخالفت کرد، رژیم صهیونیستی مخالفت کرد، فلان رژیم مرتجع نفت خوار مخالفت کرد. پولهاشان را خرج کردند، نیروهاشان را جمع کردند، یک جنگ احزاب درست کردند مردم را می‌ترساندند. الان هم همین جور است. الان هم یک عده‌ای مردم را می‌ترسانند... می‌فرماید: «لئن لم یته المنافقون و الذین فی قلوبهم مرض و المرجفون فی المدینة لغریبک بهم» مرجفون همین‌هایند... بنا می‌کنند به مؤمنین باللّه و زحمتکشانشان در راه خدا، عتاب و خطاب و اذیت کردن و فشار آوردن: آقا چرا این‌جوری می‌کنید؟ چرا کوتاه نمی‌آئید؟ چرا سیاستتان را این‌جوری نمی‌کنید؟» (بیانات در دیدار علما و روحانیون خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۱۹).

مقام معظم رهبری بارها با اشاره به آیه ارجاف، مرجفونِ امروزی را ادامه‌دهنده راه مرجفونی دانسته‌اند که در طول تاریخ اسلام، همواره به دنبال به راه انداختن اضطراب و تنش در جامعه بوده‌اند (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۸/۰۲/۱۳۶۶؛ بیانات در دانشگاه تربیت مدرس، ۱۲/۰۶/۱۳۷۷). با این تحلیل، امپراتوری خبری در دنیای امروز، با جهت‌گیری‌ها و سیاست‌هایی که دنبال می‌کند، از مصادیق امروزیین مرجفون هستند.

«این جریان تبلیغاتی عظیمی که امروز به راه انداخته‌اند - در جهت ایجاد تلاطم - هم تلاطم‌های اجتماعی و هم تلاطم روحی - است؛ یعنی دل‌ها را مضطرب کردن، نگران و ترسان کردن که امروز سیاست کلی امپراتوری خبری در دنیا این است و تازگی هم ندارد - نه نسبت به ما در این بیست و چند سال و نه نسبت به جریان حق در طول تاریخ اسلام از اول تا امروز - لذا ملاحظه می‌کنید یکی از مطالبی که در قرآن روی آن به‌عنوان یک موضوع منفی تکیه شده، «مرجفون» است؛ یعنی همان کسانی که سعی می‌کنند دل‌ها را مضطرب، پریشان و ملتهب کنند و دلهره ایجاد نمایند» (بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۸۲/۳/۷).

انطباق «المرجفون» بر برخی سلبریتی‌ها

چنانکه در مقدمه گذشت، سلبریتی شخصی است که به کمک رسانه‌ها مورد توجه و علاقه طیف گسترده‌ای از افراد جامعه قرار گرفته و به خاطر نفوذ اجتماعی که دارد، در نظام فرهنگی، ارزشی و رفتاری جوامع امروزی دارای نقشی تأثیرگذار است. با توجه به آن که هرکدام از سلبریتی‌ها امروزه با جایگاهی که در میان هواداران خود یافته‌اند تبدیل به یک رسانه شده‌اند همان کارکرد منفی ارجاف که در امپراتوری رسانه‌ای دنیا وجود دارد در برخی گفته‌ها و موضع‌گیری‌های جهت‌دار سلبریتی‌ها نیز مصداق و نمود پیدا می‌کند؛ یعنی آن‌ها هم می‌توانند به راحتی در مقاطعی که جامعه احتیاج بیشتری به آرامش دارد در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، در دل هواداران خود و آحاد جامعه، ایجاد دلهره و تردید و تزلزل کنند و یا با دامن‌زدن به برخی شایعات، تنش‌آفرینی کنند.

«امروز هم البتّه هستند کسانی که نه به انقلاب، نه به اسلام و حتّی نه به تعهّد ایرانی پایبند نیستند؛ بلکه امّا ملّت ایران این‌ها نیستند... قرآن درباره آن‌ها می‌گوید... «لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ» در خود مدینه پیغمبر، کسانی بودند که قرآن از آن‌ها به «مُرْجِفُونَ» تعبیر می‌کند؛ شایعه‌پراکنان، ترس‌پراکنان، تردیدپراکنان، شبهه‌پراکنان؛ در زمان پیغمبر! تازه در زمان پیغمبر نه اینترنت بود، نه شبکه‌های اجتماعی بودند، نه این‌همه تلویزیون بود. امروز با وجود همه این دستگاه‌ها، شما نگاه کنید ببینید جوان ایرانی چه عظمتی از خود نشان می‌دهد!» (بیانات در مراسم سی‌وچهارمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی، ۱۴/۳/۱۴۰۲).

روشن است که سلبریتی‌ها روشن‌ترین مصداق کسانی هستند که با استفاده از شبکه‌های اجتماعی، اینترنت و تلویزیون، مرتکب گناه ارجاف می‌شوند و مقام معظم رهبری در سخنان فوق، به گونه‌ای، بیشتر ناظر به همین افراد هستند؛ و البته صلابت جوان و جامعه ایرانی را مورد تحسین قرار می‌دهند که با وجود این هجمه از انبوه شایعه‌پراکنی، ترس‌پراکنی و تنش‌زایی در جامعه، از خود، مقاومت نشان می‌دهد. به هر ترتیب اگر بیانات پیش‌گفته از مقام معظم رهبری هم نبود باز هم به راحتی می‌توانستیم تفسیر ایشان از «المرجفون» در آیه شریفه را به سلبریتی‌هایی که به دنبال تنش‌آفرینی در جامعه هستند تطبیق دهیم، چون تعبیراتی که ایشان در تحلیل مرجفون به کار برده‌اند کاملاً گویا و قابل تطبیق بر این‌گونه افراد است. قبلاً توضیح این مطلب گذشت که ایشان مرجفون را به همان کسانی تفسیر می‌کنند که به دنبال تشنج‌آفرینی و اضطراب در جامعه بوده و با سخن و شایعه‌پراکنی و موضع‌گیری و اظهارنظر خود، جوّ عمومی جامعه را به تشنج می‌کشاند؛ کسانی که مثل خوره به جان مردم افتاده و جامعه را از سلامت و آرامش خودش می‌خواهند خارج کنند؛ کسانی که دل مردم را خالی می‌کنند و روحیه‌ها را تضعیف و مردم را ناامید می‌کنند.^۱ روشن‌ترین مصادیق امروزی این تعبیرات، آن دسته از سلبریتی‌ها

۱. همه این تعبیرات، توصیفاتی است که مقام معظم رهبری در توضیح و تفسیر «المرجفون» به کار برده‌اند. آدرس همه آن‌ها از متن بیانات مقام معظم رهبری قبلاً در بخش «عدم اختصاص ارجاف به شایعه‌پراکنی» گذشت.

هستند که به دنبال متشنج کردن جامعه‌اند. این شاخصه‌های مرجفون در این دست از سلبریتی‌ها، بیش از هر کس دیگری، موج می‌زند.

جنبه ضد امنیتی گناه ارجاف در جامعه

با تأمل در آیه ارجاف به روش تفسیر اجتماعی، مطالب و رهنمودهای مهمی درباره مسائل اجتماعی از این آیه شریفه قابل استفاده است. در این میان مقام معظم رهبری به خاطر دغدغه‌ها و دقت‌های خاص اجتماعی و حاکمیتی که دارند در تفسیر این آیه شریفه، اشاره آن به اهمیت مسئله امنیت ملی و ضرورت حفظ آن و مقابله با ارجاف یا هر چیز دیگری که برهم زننده امنیت ملی باشد را مورد تأکید قرار داده‌اند: «در مسائل امنیتی و مسئله امنیت داخلی جامعه: لَنْ يَنْتَهِيَ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنْفِرُنَّكَ بِهِمْ؛ مسئله امنیت... یعنی اسلام در همه‌ی ابعاد مهم زندگی اجتماعی بشر حرف دارد» (بیانات در دیدار میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی و جمعی از مسئولان نظام، ۱۴۰۰/۸/۲).

مطابق این تفسیر، خداوند در این آیه شریفه نسبت به گناه ارجاف و تش آفرینی اجتماعی و تهدیدی که این دست از رفتارها می‌تواند در خراب کاری و اخلال در امنیت ملی و امنیت داخلی جامعه داشته باشد هشدار داده و مقابله جدی با آن را ضروری اعلام کرده است.

آزادی بیان و ارجاف

ممکن است برخی ناآگاهان و مغرضان، از مخالفت قرآن با ارجاف، مخالفت خداوند با آزادی بیان را نتیجه بگیرند درحالی که مقابله با گناه ارجاف، هیچ تهافتی با حق آزادی بیان ندارد. به همین خاطر، مقام معظم رهبری در ضمن تفسیر خود از این آیه شریفه با تحلیل مرزهای درست آزادی بیان، عدم تنافی آن را با ممنوعیت ارجاف، تبیین کرده‌اند. ایشان با استناد به سخن خداوند در آیه شصتم سوره احزاب که می‌فرماید: «اگر مرجفون دست از تشنج آفرینی در جامعه بردارند ما پیامبر را بر آن‌ها مسلط می‌کنیم تا آن‌ها را مجازات کند»

تأکید می‌کنند که یکی از مرزهای آزادی بیان، ایجاد تشنج عمومی در جامعه است و کسی حق ندارد با حربه آزادی بیان، از طریق ارجاف، جامعه را متشنج و ملتهب کند (بیانات خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۶/۲/۱۸). ایشان همچنین تأکید می‌کنند که یکی دیگر از مرزهای آزادی بیان در منطق اسلامی، مرز ارزش‌های اخلاقی - معنوی است. هرکس در بیان سخن و عقیده خود تا آنجا آزاد است که تعارضی با ارزش‌های اخلاقی و معنوی جامعه نداشته باشد، پس آزادی بیان به معنای آزادی دروغ‌گویی و ارجاف و زیرپا گذاشتن ارزش‌ها در سطح جامعه نخواهد بود (بیانات در دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۷/۶/۱۲).

ایشان توضیح می‌دهند که آزادی بیان به بهانه و ابزار برای سوءاستفاده‌های تبلیغاتی جهان استکبار علیه مخالفانش تبدیل شده است و الا حتی در خود دموکراسی‌های غربی هم علی‌رغم اینکه شعار آزادی بیان را عَلم کرده‌اند آزادی بیان به معنای حقیقی کلمه اصلاً وجود ندارد و آزادی بیان به سبک آن‌ها از حقیقت، تهی بوده و درواقع، نوعی فتنه و دروغ و فریب است (بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۶/۲/۱۸).

۶. دلالت تفسیر آیه ششم سوره احزاب بر جرم‌انگاری تنش‌آفرینی سلبریتی‌ها و راه‌کارهای مقابله با آن

در نگاه جامعه‌شناسان، هر عمل که خللی به اجتماع وارد سازد می‌تواند عملی مجرمانه به شمار آید چنانکه دورکیم،^۱ جرم را به «هر کاری که احساسات جمعی جامعه را جریحه‌دار ساخته و توسط قانون‌گذار برای آن مجازاتی در نظر گرفته شده باشد» تعریف می‌کند (جاویدی، ۱۳۹۵: ۱۱۶). ماوئریک پارملی^۲ نیز در کتاب جرم‌شناسی خود می‌نویسد: جرم معمولاً یک عمل ضداجتماعی است که مقابله با آن برای حفظ نظام اجتماعی، ضروری است (Maurice Parmelee, ۱۹۱۸, p. ۳۱؛ به نقل از عزت عبد الفتاح ۱۳۸۱: ۱۴۸).

1 . Emile Durkheim.

2 . Maurice Parmelee.

از نگاه دینی نیز بر اساس تعریفی که از جرم در «کنفرانس اجرای حقوق کیفری اسلامی و اثر آن در مبارزه با جرائم» به عمل آمده، جرم، عبارت است از مخالفت با اوامر و نواهی کتاب و سنت یا ارتکاب عملی که به تباهی فرد یا جامعه بینجامد. هر جرم، کیفری دارد که شارع بدان تصریح کرده یا اختیار آن را به ولی امر یا قاضی سپرده است (گرگی، ۱۳۸۵، ۱: ۵۸).

با توجه به تعریفی که از جرم در نگاه جامعه‌شناختی و همچنین از نگاه اسلامی ارائه شد، جرم‌انگاری را می‌توان فرایندی نامید که به موجب آن، قانون‌گذار با در نظر گرفتن هنجارها و ارزش‌های اساسی جامعه و با تکیه بر مبانی نظری موردقبول خود، به جهت حفظ ارزش‌های اجتماعی و نظم عمومی و اموری از این قبیل، فعل یا ترک فعلی را ممنوع و برای آن، ضمانت اجرای کیفری وضع می‌کند (آقابابائی، ۱۳۸۴: ۱۲).

بر پایه این تعاریف، بسیاری از موضع‌گیری‌ها و سخنان برخی از سلبریتی‌ها که موجب اختلال در آرامش روانی جامعه بوده یا ایجاد یأس و ناامیدی عمومی کرده و به شایعات بی‌اساس، دامن می‌زنند، مصداق روشن جرم - هم از نگاه جامعه‌شناسانه و هم از نگاه دینی - خواهد بود و طبعاً مستحق مجازات است. یکی از نکات مهمی که مقام معظم رهبری در دیدارهای اخیر خود با مسئولان قوه قضائیه تکرار کرده و بر آن تأکید داشته‌اند آن است که یکی از وظایف اصلی قوه قضائیه، پیگیری و احیای امنیت روانی جامعه به‌عنوان یکی از حقوق عامه اجتماعی است. ایشان تأکید می‌کنند که سوءاستفاده از فضای مجازی و غیر آن برای سلب آرامش روانی و امنیت ذهنی مردم و ایجاد ترس و مانند آن در جامعه، زیر پا گذاشتن حقوق عامه است و قوه قضائیه در این قسمت، باید وظیفه خود را با برنامه‌ریزی و انضباط بیشتری انجام دهد (بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه، ۱۴۰۲/۴/۶). جالب آن است که ایشان همین مطلب را در سخنان یک سال قبل‌تر خود در همان دیدار با رئیس و مسئولان قوه قضائیه نیز مطرح کرده بودند؛ و این نشان از اهمیت فوق‌العاده مسئله و وظیفه مضاعف قوه قضائیه در این باب دارد:

«یکی از حقوق عمومی مردم همین است که امنیت روانی داشته باشند. امنیت روانی یعنی چه؟ یعنی هر روز یک شایعه‌ای، یک دروغی، یک حرف هراس‌افکننده‌ای در ذهن‌ها پخش نشود. حالا تا دیروز فقط روزنامه‌ها بودند که این کارها را می‌کردند، حالا فضای مجازی هم اضافه شده. هرچند وقت یا چند روز یک‌بار، گاهی چند ساعت یک‌بار یک شایعه‌ای، یک دروغی، یک حرفی را یک آدم مشخصی یا نامشخصی در فضای مجازی منتشر می‌کند، مردم را نگران می‌کند، ذهن مردم را خراب می‌کند. یک دروغی را مطرح می‌کند، شایع می‌کند، خب، این امنیت روانی مردم از بین می‌رود. یکی از وظایف قوه قضائیه برخورد با این مسئله است» (بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه، ۱۴۰۱/۴/۷).

با توجه به تفسیر مقام معظم رهبری از آیه شصتم سوره احزاب کاملاً روشن است که ارجاف، از بارزترین مصادیق برهم زدن آرامش و امنیت روانی جامعه است. ایشان «المرجفون» را به کسانی که به دنبال تشنج‌آفرینی و اضطراب در جامعه بوده و با سخن و شایعه‌پراکنی و موضع‌گیری و اظهارنظر مغرضانه خود، جو عمومی جامعه را به تشنج می‌کشاند تفسیر کرده‌اند؛ بنابراین قطعاً گناه ارجاف مشمول این بخش از سخنان مقام معظم رهبری درباره جرم‌انگاری برهم زدن امنیت روانی جامعه خواهد بود. خصوصاً آن‌که برخی از سلبریتی‌ها مصداق بارز کسانی هستند که امروزه ظرفیت آن را دارند که در فضای مجازی و غیر آن به تنش و تشنج در جامعه دامن زنند.

به این ترتیب تا اینجای سخن، اصل جرم‌بودن ارجاف روشن شد و معلوم شد که مقام معظم رهبری افزون بر آن‌که ارجاف را منافی حق امنیت روانی جامعه می‌دانند بر پایه تفسیر آیه شصتم سوره احزاب نیز بزه بودن آن را مورد تأکید قرار می‌دهند و بر این پایه، مبانی حقوقی و قرآنی جرم‌انگاری گناه برخی سلبریتی‌ها در ارجاف و تنش‌آفرینی در جامعه از طریق انتشار اراجیف در سطح جامعه، از دیدگاه مقام معظم رهبری، به شکل منقح بیان شد. حال سؤال آن است که بر اساس تفسیر مقام معظم رهبری از آیه شصتم سوره احزاب، ضرورت

مقابله با تنش آفرینی اجتماعی سلبریتی‌ها و راه کارهای آن چگونه است؟ پاسخ، آن است که بر پایه مفاد آیه شصتم سوره احزاب و بر اساس تفسیر مقام معظم رهبری از این آیه شریفه می‌توان مقابله با این جرم را به دو مرحله اصلی تقسیم کرد. در مرحله نخست باید با هشدارهای جدی، کسانی را که مرتکب این جرم هستند از مجازات و عواقب ناگواری که در صورت تکرار، در انتظارشان است آگاه کرد. پس از آن، در مرحله دوم، در صورت دست برداشتن از این جرم، نوبت به اعمال مجازات قانونی خواهد رسید.

مقام معظم رهبری پیش از مجازات عملی و قانونی، مطابق مفاد آیه، بر ضرورت هشدار جدی دادن برای دست برداشتن از این گونه اقدامات تأکید دارند.^۱ به این صورت که از جانب مراجع رسمی و قانونی، تذکر تهدیدآمیز و کاملاً جدی و بازدارنده به سلبریتی و هر شخص دیگری که مرتکب این جرم شده باشد ابلاغ شود:

«قرآن با آن حکمت، پیامبر با آن گذشت، خدای متعال به پیامبر می‌گوید: «لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ»؛ یعنی کسانی که... می‌خواهند مردم را بترسانند، می‌خواهند دل مردم را خالی کنند، می‌خواهند امیدها را از دلها بگیرند، اگر این‌ها بس نکنند، «لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ»؛ ما - یعنی خدای متعال - تو یعنی پیامبر را به جان این‌ها می‌اندازیم. ببینید لحن قرآن، چطور لحن خشن و غلیظی می‌شود» (بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه، ۱۳۷۰/۶/۲۷)..^۲

البته این لحن هشدارگونه و تهدیدآمیز، در مرحله بعد، در صورت دست برداشتن از این جرم، مبدل به اقدامات عملی قانونی جهت جلوگیری از تکرار آن خواهد شد. مقام معظم رهبری در تفسیری که از این آیه در خطبه‌های نماز جمعه ارائه داده‌اند به هر دو مرحله مقابله با جرم ارجاف، یعنی نخست، «لحن شدید

۱. «ضرورت هشدار به افراد فسادگر، برای پایان دادن به کار خود، پیش از اقدام عملی علیه آنان» نکته‌ای است که برخی دیگر از مفسران نیز از این آیه استفاده کرده‌اند (ر.ک هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ۱۴: ۴۳۰؛ جمعی از محققان، ۱۴۲۸ق، ۲: ۲۸۰).

خشن و هشدارآمیز» و سپس «تعقیب قانونی و حقوقی» تصریح داشته‌اند: «مرجف در مدینه قابل گذشت نیست: «لَنْ نُغْرِبَنَّ بِهْمَ»؛ یعنی اگر دست بر ندارند این شایعه‌پراکن‌ها، این تشنج‌آفرین‌ها، این کسانی که جامعه را از سلامت و از سکون و آرامش خودش می‌خواهند خارج کنند، ما تو را «اِغْرَا» خواهیم کرد به آن‌ها؛ یعنی تو را به جان آن‌ها خواهیم انداخت تا انتقام مردم را بگیری؛ یعنی یک لحن شدید خشن در مقابل کسانی که جو سالم جامعه را حاضر نیستند تحمل کنند و سلامت جامعه را به حال خود بگذارند... اگر با این بیان کسی بخواهد جو آرام جامعه را، سلامت محیط همزیستی مردم این جامعه را به هم بزند، اسلام به هیچ‌وجه این را قبول ندارد. می‌فرماید: «لَنْ نُغْرِبَنَّ بِهْمَ»؛ دستگاه‌ها موظف خواهند بود که یک چنین بیانی را در مقابلش بایستند و تعقیب قانونی و سیاسی و حقوقی بکنند» (بیانات خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۶/۲/۱۸).

در این میان، ممکن است برخی خلأها و نارسائی‌های قانونی وجود داشته باشد و مانع سازوکار حقوقی - قانونی اعمال این مجازات قرآنی، آن‌گونه که باید و شاید است باشد. مقام معظم رهبری در این باره نیز راهکارهای لازم را بیان داشته‌اند. ایشان درباره رفع خلأهای قانونی، در این باب، خطاب به رئیس و مسئولان قوه قضائیه می‌فرمایند: «البته اینجا هم [یعنی در باب جرائم منافی با امنیت روانی جامعه که در فضای مجازی و غیر آن رخ می‌دهد] من شنیدم بعضی گفتند که: قانون نداریم؛ اولاً می‌شود از همین قوانین موجود استفاده کرد و حکم این را فهمید؛ اگر قانون هم ندارید، سریع قانون تهیه کنید. این‌ها چیزهای مهمی است» (بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه، ۱۴۰۱/۴/۷).

به این ترتیب با توجه به آنچه گذشت می‌توان گفت مماشات دستگاه قضایی کشور با برخی سلبریتی‌ها که سابقه تاریکی در دامن‌زدن به تنش‌های اجتماعی، خصوصاً در موقعیت‌های حساسی همچون اغتشاشات سال ۱۴۰۱ داشته‌اند به هیچ‌وجه با مبانی حقوقی و قرآنی و با دیدگاه مقام معظم رهبری سازگاری ندارد. همچنین بازگشت این دست از سلبریتی‌ها که در ایام اغتشاشات، آتش‌بیار

معرکه بوده و مصداق روشن واژه قرآنی «المرجفون» هستند، به صداوسیما و هرگونه تریون دادن به آن‌ها مخالفت با تعالیم قرآن است

۷. نتیجه‌گیری

امروزه ضرورت وجود قوانین بازدارنده و ضابطه‌مند جهت جلوگیری از تنش‌آفرینی سلبریتی‌ها در جامعه، قابل‌انکار نیست. این ضرورت، ریشه در برخی مبانی حقوقی و قرآنی دارد. مقام معظم رهبری در تفسیری که از آیه شصتم سوره احزاب در بیانات متعدد خود ارائه داده‌اند به تحلیل برخی از این مبانی حقوقی و قرآنی پرداخته‌اند.

دغدغه‌های اجتماعی و حاکمیتی که مقام معظم رهبری در طول سالیان متمادی با آن به‌طور مستمر درگیر بوده‌اند در کنار تأملات تفسیری و تعمق ایشان در قرآن کریم ایشان را در روش تفسیر اجتماعی قرآن به مفسری توانا مبدل ساخته است. ایشان در تفسیر اجتماعی خود از آیه شصتم سوره احزاب توضیح می‌دهند که مصادیق گوناگون «المرجفون» در این آیه کریمه عبارت‌اند از کسانی که در جامعه التهاب و تشنج‌آفرینی می‌کنند و با شایعه‌پراکنی یا با موضع‌گیری‌های مغرضانه خود، جو عمومی جامعه را به ناامیدی، دلهره و تشنج می‌کشاند؛ بنابراین شایعه‌پراکنی یکی از مصادیق ارجاف است نه تنها مصداق آن.

همچنین از تفسیر ایشان چنین برمی‌آید که گناه ارجاف به هنگام جنگ و به باب جهاد، منحصر نمی‌شود و در هر حال در جامعه، امکان وقوع آن وجود دارد و بلکه ارجاف یکی از ابزارها و شگردهای مستمر و دیرینه جبهه تبلیغاتی کافران علیه جبهه اسلام است. شاخصه‌هایی که ایشان در تفسیر خود از واژه قرآنی «المرجفون» برمی‌شمارند بر ویژگی‌های برخی سلبریتی‌ها کاملاً منطبق است؛ و بر پایه تفسیر ایشان، ارجاف و تشنج‌آفرینی در جامعه یک اقدام خراب‌کارانه و ضد امنیتی است؛ و تبعاً ممنوعیت چنین اقداماتی هیچ تهافتی با آزادی بیان ندارد. یکی دو نکته نخست از نکات فوق در سایر تفاسیر پیشین از آیه شصتم سوره احزاب نیز به چشم می‌خورد؛ اما سایر نکات، برآمده از تأمل و تعمق مقام

معظم رهبری در این آیه شریفه به روش تفسیر اجتماعی است. به هرروی، می‌توان با کنار هم قرار دادن نکات مستفاد از تفسیر این آیه شریفه، برخی از مبانی حقوقی و قرآنی جرم‌انگاری گناه برخی سلبریتی‌ها در ارجاف و تنش‌آفرینی در جامعه از طریق انتشار اراجیف در سطح جامعه را از دیدگاه مقام معظم رهبری، به گونه‌ای منقح بیان کرد، چنانکه مقام معظم رهبری بارها مسئولان قضایی کشور را نیز به این نکته مهم توجه داده‌اند. نتیجه نهایی آن که مامشات دستگاه قضایی کشور با برخی سلبریتی‌ها که سابقه تاریکی در دامن‌زدن به تنش‌های اجتماعی، خصوصاً در موقعیت‌های حساسی همچون اغتشاشات سال ۱۴۰۱ داشته‌اند به هیچ‌وجه با مبانی حقوقی و قرآنی و با دیدگاه مقام معظم رهبری سازگاری ندارد. همچنین بازگشت این دست از سلبریتی‌ها که در ایام اغتشاشات، آتش‌بیار معرکه بوده و مصداق روشن واژه قرآنی «المرجفون» هستند، به صداوسیما و هرگونه تریبون دادن به آن‌ها مخالفت با تعالیم قرآن است. از نظر مقام معظم رهبری مطابق آیه شریفه شصتم سوره احزاب، این‌گونه افراد، نخست باید از جانب مراجع رسمی و قانونی، هشدارهای جدی و بازدارنده را دریافت دارند و در صورت تکرار، دستگاه‌های ذی‌ربط، موظف به تعقیب قانونی و سیاسی و حقوقی این جرم هستند.

منابع و مآخذ

- *قرآن کریم.
- *نهج البلاغه (للصباحی صالح). (۱۴۱۴ق). شریف الرضی، محمد بن حسین. چاپ اول. قم: هجرت. اردکانی فرد، زهرا؛ رضوی زاده، ندا. (۱۳۹۹). «الگوهای «خودبازنمایی» سلبریتی های ایرانی در شبکه اجتماعی اینستاگرام». *مطالعات رسانه های نوین*. شماره ۲۲. صص ۲۱۹ - ۲۶۳.
- آقابابائی، حسین. (۱۳۸۴). «گفتمان فقهی و جرم انگاری در حوزه جرائم علیه امنیت ملت و دولت». *فصلنامه علمی پژوهشی حقوق اسلامی*. دوره ۲. شماره ۵. صص ۱۱-۴۲.
- باشگاه خبرنگاران جوان. (۱۴۰۱). «از ایران تا ینگه دنیا، مجازات سلبریتی قانون شکن چیست». سایت جوان آنلاین: javanonline.ir
- بنت، اندی. (۱۳۸۶). *فرهنگ و زندگی روزمره*. ترجمه: لیلا جوافشانی و حسن چاوشیان. تهران: انتشارات اختران.
- بوذری نژاد یحیی، توانای نامی، مریم. (۱۳۹۷). «روش شناسی تفکر اجتماعی آیت الله خامنه ای با تأکید بر روش تفسیر اجتماعی قرآن». *نشریه پژوهش های اجتماعی اسلامی*. دوره ۲۴. شماره ۱۱۶ - شماره پیاپی ۱۱۶. صص ۱۴۷-۱۷۳.
- جاویدی مجتبی. (۱۳۹۵). «ماهیت جرم از دیدگاه دورکیم، با رویکردی روش شناسانه». *نشریه علمی-پژوهشی معرفت فرهنگی اجتماعی*. سال هشتم. شماره ۱ (پیاپی ۲۹). صص ۱۱۵-۱۳۴.
- جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، سید محمود هاشمی. (۱۴۲۳ق). *موسوعة الفقه الإسلامی طبقاً لمذهب أهل البيت علیهم السلام*. قم - ایران: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.
- جمعی از محققان پژوهشگاه تحقیقات اسلامی. (۱۴۲۸ق). *جهاد در آینه قرآن*. قم - ایران: انتشارات زمزم هدایت.
- حوی، سعید. (۱۴۲۴ق). *الاساس فی التفسیر*. چاپ ششم. مصر - قاهره: انتشارات دار السلام.
- خامنه ای، سیدعلی. (۱۴۰۳). *پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای*. KHAMENEI.IR
- خزرجی، احمد بن عبدالصمد. (۱۴۲۹ق). *تفسیر الخزرجی المسمی نفس الصباح فی غریب القرآن و ناسخه و منسوخه*. لبنان - بیروت: دار الکتب العلمیه. منشورات محمد علی بیضون.
- دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای. (۱۳۹۳). *مروری بر مبانی، روش و قواعد تفسیری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای مد ظله العالی در تفسیر سوره توبه*. تهران: انتشارات مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی. دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای انتشارات انقلاب اسلامی.
- دوران، مرتضی. (۱۴۰۱). «تحلیل الگوی عمل نظام قضائی آمریکا در جرائم سلبریتی ها». سایت نور نیوز: nournews.ir
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). *مفردات ألفاظ القرآن*. بیروت - دمشق: دار القلم - الدار الشامیه.

رسانه تحلیلی دانشگاه علامه طباطبائی: <https://atna.atu.ac.ir>.

رضایی اصفهانی، محمدعلی. (۱۳۸۶). *قرآن و علم*. قم - ایران: انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن. روش‌نندل اربطانی، طاهر و همکاران. (۱۴۰۰). «تبیین فرهنگ هواداری مجازی در شبکه اجتماعی اینستاگرام: دلایل و زمینه‌ها (مورد مطالعه: هواداران سلبریتی‌ها)». *مطالعات میان‌رشته‌ای ارتباطات و رسانه*. شماره ۱۳. صص ۵ - ۳۸.

سلیمی، صادق. (۱۳۸۴). *چکیده حقوق جزای عمومی*. تهران: انتشارات تهران صدا. سمرقندی، نصر بن محمد. (۱۴۱۶ق). *تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم*. چاپ اول. بیروت: دار الفکر.

سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر. (۱۴۲۱ق). *الإتقان فی علوم القرآن*. چاپ دوم. لبنان - بیروت: دار الكتاب العربی.

صدر، محمدباقر. (بی‌تا). *المدرسة القرآنیة*. بیروت: انتشارات دار التعارف للمطبوعات. صدر، محمد باقر. (۱۴۲۵ق). *دروس فی علم الأصول (شرح ناجی طالب)*. بیروت - لبنان: دار احیاء التراث العربی.

طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. چاپ سوم. تهران: ناصر خسرو. عزت عبد الفتاح. (۱۳۸۱). «جرم چیست و معیارهای جرم‌انگاری کدام است؟». ترجمه و توضیح اسماعیل رحیمی نژاد. *مجله حقوقی دادگستری*. دوره ۶۶. شماره ۴۱. صص ۱۳۵ - ۱۶۰.

فضل الله، محمد حسین. (۱۴۱۹ق). *من وحی القرآن*. بیروت: دار الملائک. قرائتی، محسن. (۱۳۸۸). *تفسیر نور*. چاپ اول. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن. قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۳). *تفسیر القمی*. چاپ سوم. قم: دار الكتاب.

کریمی، یوسف. (۱۳۷۷). *روان‌شناسی اجتماعی*. چاپ چهارم. تهران: انتشارات ارسباران. کوشکی، محمد صادق. (۱۴۰۲). «قوانین بازدارنده و ساختارمندی سلبریتی‌ها». *سایت آرشو روزنامه قدس*: qudsdaily.com.

گرچی، ابوالقاسم. (۱۳۸۵). *مقالات حقوقی*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. مدرسی، محمدتقی. (۱۴۱۹ق). *من هدی القرآن*. چاپ اول. تهران: دار محبی الحسین. مصطفوی، حسن. (۱۳۶۸). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. چاپ اول. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

معرفت، محمدهادی. (۱۴۱۰ق). *التمهید فی علوم القرآن*. قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم. معرفت، محمدهادی. (۱۳۷۹). *تفسیر و مفسران*. قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید. مغنیه، محمدجواد. (۱۴۲۴ق). *التفسیر الکاشف*. چاپ اول. قم: دار الكتاب الإسلامی.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*. چاپ دهم. تهران: دار الکتب الإسلامیه. مؤدب، رضا. (۱۳۸۰). *روش‌های تفسیر قرآن*. دانشگاه قم. قم - ایران: انتشارات اشراق. میری، محمد. (۱۴۰۳). «آسیب‌شناسی فرهنگ سلبریتی از نگاه قرآن کریم». *فصلنامه علمی پژوهشی*

مطالعات فرهنگ - ارتباطات. دوره ۲۵. شماره ۶۵ - شماره پیاپی ۹۷. صص ۹۳ - ۱۲۲. میری، محمد. (۱۴۰۲). «شخصیت‌شناسی سلبریتی از نگاه قرآن کریم». *فصلنامه علمی پژوهشی قرآن و علوم اجتماعی*. دوره ۳. شماره ۴. شماره پیاپی ۱۲. صص ۱۲۰ - ۱۵۵.

هاشمی رفسنجانی اکبر. (۱۳۸۶). *تفسیر راهنما*. قم: مؤسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).

Mauricc Parmelee. (۱۹۱۸). *criminology*. New York: Macmillan, Reprinted.

Nayar, Pramod K. (۲۰۰۹). *Seeing Stras: Spectacle, Society and Celebrity Culture*. SAGE Publications India

REFERENCES

- *The Holy Qur'an.
- *Nahj al-Balagha (by Subhi Saleh). (1414 AH). Sharif al-Razi, Muhammad ibn Hussein. First edition. Qom: Hijrat.
- A group of researchers from the Islamic Research Institute. (1428 AH). Jihad in the Mirror of the Qur'an. Qom - Iran: Zamzam Hedayat Publications.
- A Group of Researchers Under the Supervision of Shahroudi, Seyyed Mahmoud Hashemi. (1423 AH). Encyclopedia of Islamic Jurisprudence According to the School of the Prophet Muhammad (PBUH). Qom - Iran: Institute of Islamic Jurisprudence Encyclopedia on the Religion of the Ahlul Bayt (AS).
- Aghababaei, Hossein. (1384). "Jurisprudential Discourse and Criminalization in the Field of Crimes Against the Security of the Nation and the State". Scientific Research Quarterly of Islamic Law. Vol. 2. Issue 5. pp. 11-42.
- Al-Khazraji, Ahmad bin Abdul Samad. (1429 AH). Al-Khazraji's Tafsir named Nafas al-Sabah fi Gharib al-Qur'an wa nasikhihi wa mansukhihi. Lebanon - Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyah. Publications of Muhammad Ali Al-Baydoon.
- Allameh Tabatabaei University Analytical Media: <https://atna.atu.ac.ir>
- Al-Qummi, Ali ibn Ibrahim. (1363). Tafsir al-Qummi. Third edition. Qom: Dar al-Kitab.
- Al-Raghib al-Isfahani, Hossein bin Muhammad. (1412 AH). Mufradat Alfadh al-Qur'an. Beirut - Damascus: Dar al-Qalam - Dar al-Shamiyah.
- Al-Sadr, Muhammad Baqir. (1425 AH). Durous fi Ilm al-Usoul (Najji Talib's Commentary). Beirut-Lebanon: Dar Ihya al-Turath Al-Arabi.
- Al-Sadr, Muhammad Baqir. (n.d.). Al-Madrasah al-Qur'aniyah. Beirut: Dar al-Ta'aruf Publications.
- Al-Suyouti, Abdurrahman bin Abi Bakr. (1421 AH). Al-Itqan fi Uloum al-Qur'an. Second edition. Lebanon - Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi.
- Al-Tabarsi, Fadl ibn Hassan. (1993). Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an. Third edition. Tehran: Nasser Khosrow.
- Ardakanifard, Zahra; Razavizadeh, Neda. (1399). "Patterns of "Self-Representation" of Iranian Celebrities on the Instagram Social Network". Modern Media Studies. Issue 22. pp. 219 - 263.
- Bennett, Andy. (1386). Culture and Everyday Life. Translated by: Leila Javafshani and Hassan Chavoshian. Tehran: Akhtaran Publications.
- Bozarinejad Yahya, Tavanaye Nami, Maryam. (1397). "Methodology of Ayatollah Khamenei's Social Thought with Emphasis on the Method of Social Interpretation of the Qur'an". Islamic Social Research Journal. Vol. 24. Issue 116. ISSN 116, pp. 147-173.
- Doran, Morteza. (1401). "Analysis of the Model of Action of the American Judicial System in Celebrity Crimes". Nour News website: www.nournews.ir
- Fadlallah, Mohammad Hussein. (1419 AH). Min Wahy al-Qur'an. Beirut: Dar al-Malak.
- Gorji, Abolqasem. (1385). Legal Articles. Tehran: Tehran University Press.
- Hashemi Rafsanjani, Akbar. (1386). Tafsir Rahnoma. Qom: Bustan Book Institute (Printing and Publishing Center of the Islamic Propaganda Office of Qom Seminary).
- Hawwa, Saeed. (1424 AH). Al-Asas fi al-Tafsir. Sixth edition. Egypt - Cairo: Dar al-Salam Publications.
- Izzat Abd al-Fattah. (1381). "What is crime and what are the criteria for criminalization?" Translated and explained by Ismail Rahimi Nejad. Justice Legal Journal. Vol. 66, No. 41. pp. 135-160.
- Javidi, Mojtaba. (1395). "The Nature of Crime from Durkheim's Perspective, with a Methodological

- Approach". Scientific-Research Journal of Cultural and Social Knowledge. Vol. 8. Issue 1, ISSN 29. pp. 115-134.
- Karimi, Yusuf. (1377). Social Psychology. Fourth edition. Tehran: Arasbaran Publications.
- Khamenei, Seyyed Ali. (1403). The Office of The Supreme Leader. www.KHAMENEI.IR
- Kushki, Mohammad Sadeq. (1402). "Restrictive Laws and the Structure of Celebrities". Archive of Quds Daily website: www.qudsdaily.com
- Ma'refat, Mohammad Hadi. (1379). Tafsir va Mofasseran. Qom: Al-Tamhid Cultural Institute and Publishing House.
- Ma'refat, Mohammad Hadi. (1410 AH). Al-Tamhid fi Uloum al-Qur'an. Qom: Qom Seminary Management Center.
- Makarem Shirazi, Nasir. (1371). Tafsir Nomouneh. Tenth Edition. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyah.
- Maurice Parmelee. (1918). criminology. New York: Macmillan, Reprinted.
- Miri, Mohammad. (1402). "The Personality of Celebrity from the Perspective of the Holy Qur'an". Scientific Research Quarterly of Qur'an and Social Sciences. Vol. 3. Issue 4. ISSN 12. pp. 120-155.
- Miri, Mohammad. (1403). "The Pathology of Celebrity Culture from the Perspective of the Holy Qur'an". Scientific Research Quarterly of Culture and Communication Studies. Vol. 25. Issue 65 - ISSN 97. pp. 93-122.
- Moaddab, Reza. (1380). Methods of Interpreting the Qur'an. Qom University. Qom - Iran: Ishraq Publications.
- Modarresi, Mohammad Taqi. (1419 AH). Min Huda al-Qur'an. First edition. Tehran: Dar Mohebbi al-Hussein.
- Mostafavi, Hassan. (1368). Al-Tahqiq fi kalimat al-Qur'an al-Karim. First edition. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Mughniyah, Mohammad Javad. (1424 AH). Al-Tafsir al-Kashif. First edition. Qom: Dar al-Kitab al-Islami.
- Nayar, Pramod K. (2009). Seeing Stras: Spectacle, Society and Celebrity Culture. SAGE Publications India.
- Qaraati, Mohsen. (1388). Tafsir Noor. First edition. Tehran: Cultural Center for Lessons from the Qur'an.
- Rezaei Esfahani, Mohammad Ali. (1386). Qur'an and Science. Qom - Iran: Publications of Qur'anic Interpretation and Sciences Research.
- Roshandel Arbatani, Taher et al. (1400). "Explanation of the culture of virtual fandom on the social network Instagram: reasons and contexts (case study: celebrity fans)". Interdisciplinary Studies in Communication and Media. Issue 13. pp. 5 - 38.
- Salimi, Sadeq. (1384). Summary of General Criminal Law. Tehran: Tehran Seda Publications.
- Samarqandi, Nasr bin Muhammad. (1416 AH). Tafsir al-Samarqandi al-Masmi Bahr al-Uloum. First edition. Beirut: Dar al-Fikr.
- The Office of Ayatollah Khamenei the Supreme Leader. (1393). A review of the principles, methods and rules of interpretation of the Grand Ayatollah Khamenei, in the interpretation of Surah At-Tawbah. Tehran: Islamic Revolution Cultural Research Institute Publications. Office for Preservation and Publication of the Works of the Grand Ayatollah Khamenei, Islamic Revolution Publications.
- Young Journalists Club. (1401). "From Iran to the Edge of the World, What is the Punishment for a Celebrity Who Breaks the Law". Javan Online Site: www.javanonline.ir

| Extended Abstract |

Analysis of the Criminalization of Social Agitation by Celebrities with an emphasis on the Supreme Leader's Interpretation of the Verse 60 of Surah Al-Ahzab

Mohammad Miri

Research Objective

The main goal of this research is to utilize the enormous potential of religious teachings, and especially Quranic content, for the social pathology of the culture of fame and celebrity worship syndrome. Today, some celebrities, with their behavior and speech, cause social tensions or fan the flames of some social conflicts. This research aims to analyze and examine the Quranic foundations of the criminalization of social agitation of celebrities by relying on the Verse 60 of Surah Al-Ahzab and considering the Supreme Leader's perspective on the social interpretation of this verse.

Research Method

The present research is organized in a qualitative-analytical and documentary method. This method begins with the collection of reliable library documents and is completed with their scientific analysis. In this way, first, all the important and primary texts regarding the interpretation of the verse 60 of Surah Al-Ahzab and the Supreme Leader's view on the interpretation of this verse were studied and examined. Then, by analyzing these documents, the strengths and weaknesses of the various interpretations of this verse were clarified and the advantages of the Supreme Leader's social interpretation of this verse were clarified compared to the numerous interpretations that have been proposed for the verse.

Research Findings

- 1- It is not correct to limit the meaning of verse 60 of Surah Ahzab to the instance mentioned in its revelation. Rather, it is better to refer to the generality and universality of the verse by eliminating the specific characteristics of the revelation.
- 2- By highlighting the social teachings of the Qur'an, the Supreme Leader seeks to analyze social harms and find a Quranic solution for them. For this purpose, he uses the method of social interpretation.
- 3- Considering the social style and context of verse 60 of Surah Ahzab, the Supreme Leader's perspective and approach to social interpretation (which is based on the comprehensiveness of the teachings of the Quran to the social scope of human life) are clearly visible in the interpretation of this verse.
- 4- The most central elements emphasized in the Supreme Leader's interpretation of this noble verse are:
 - A) The sin of Irjaf is not specific to the instance of spreading rumors.

B) The sin of Irjaf is not limited to the specific situation of Jihad in the path of Allah.
 C) Irjaf is an ancient tool and tactic of the infidels' propaganda front against the tranquility of Islamic society.

D) Some celebrities are the modern-day examples of the "Murjifoun" in the holy verse.

E) The sin of Irjaf and creating tension in society has an anti-security and subversive aspect, and therefore, it is a definite crime.

F) The necessity of confronting the sin of Irjaf does not conflict with the right to freedom of expression in society.

5- Based on the aforementioned points, all of which stem from the Supreme Leader's interpretation of verse 60 of Surah Al-Ahzab, it becomes clear that from the perspective of the Holy Qur'an, creating social tension by celebrities is a clear crime and the judicial system in the Islamic government is obliged to deal with this crime legally.

Final Conclusion

The Supreme Leader's socio-political activities and concerns, at the highest level and over a long period, have led to his meticulousness and accuracy in understanding and interpreting the social aspects of the Holy Qur'an. The Supreme Leader's method of social interpretation has enabled him to pay more attention to the social views and commands of the Qur'an than others. The verse 60 of Surah Al-Ahzab has a strong social content, style, and context. The message of God in this verse is that if those agitators in society with their fearful, seditious, and despairing words, do not stop their grave sins by spreading evil, He will set the Prophet over them to punish them. A deeper look into this holy verse and attention to the Supreme Leader's interpretative points on it is sufficient to clarify the legal and Quranic foundations of criminalizing some celebrities for Irjaf and agitation in society, and the necessity and method of confronting this crime.

KEYWORDS: Celebrity; Social Agitation; Supreme Leader; Social Interpretation of the Qur'an; Irjaf